



سال نهم

اول جدی ۱۳۴۰

شماره دو از دهم

## دو کلمه هروی

طبقات الصوفیه از امالی خواجه عبدالله انصاری پیر هرات، کتاب معتبر و نفیس زبان دری و لهجه هروی است که تا کنون طبع و نشر نشده و از نسخ خطی آن هم فقط چهار نسخه سراغ داریم، که یکی در کلکته و سه تای آن در تورکیه است، و نویسنده حروف و وفق شده ام، که متن این کتاب نفیس افغانستان را از روی تمام نسخ مکشوفه با اصول انتقادی با نسخه بدل و تعالیق و توضیحات و حواشی برای طبع حاضر کنم. و در آخر آن فرهنگ لغات و کلمات و مصطلحات و تعابیر خاص آن را نیز بنویسم.

این کتاب علاوه بر فوائد تاریخی و رجالی و مباحث دقیق تصوف مشحون است به کلمات و نوادر ادبی و لسانی که درک نکات و فوائد آن برای هر کسی که در ادب و شرق قدیم زبان دری جستجو و کنج کاوی دارد، خالی از دلچسپی و کمال میل و استفاده نخواهد بود زیرا ریشه های بساز کلمات و الفاظ با صور کهن آن ازین کتاب پدیدار می آید، که هر نکته آن شامل فوائد چهار ادبی و لسانی است، که درینجا فقط بدو کلمه هروی و صور کهنه آن اشاره می شود:

## گازیار گاه

در شمال هرات بفاصله دو میل جای مشهوریست که مدفن شیخ الاسلام انصاری و بسا بزرگان دیگر عام و تصو فست و اکنون گازر گاه گویند. ولی این نام در طبقات الصوفیه امالی انصاری مکرراً (کازیار گاه) آمده، که گاهی امالی آن باختلاف نسخ تغییر کرده، مثلاً در نسخه خطی موثوق اقدم کتبخانه ناقد پاشای استانبول که در ۶۷۱ هـ نوشته شده (کازیار گاه) و در نسخه های نور عثمانیه استانبول (تحریر ۸۳۹ هـ) و نسخه جمعیت آسیائی کلکنه (تحریر حدود ۱۰۱۵ هـ) نیز گاهی بهمان صورت و گاهی، کازار گاه- کاربار گاه است، که امالی نخستین آن ثقت و کثرت دارد، و گاهی هر سه نسخه مذکوره در ضبط آن منفق اند.

ازین اسناد پدید می آید، که امالی قدیم این کلمه کازیار گاه بود، که یاقوت هم همین املا را نوشته و در مرآة الاطلاع (ص ۳۳۴) کازیار گاه طبع کرده اند. سیفی هروی در تاریخ هرات همواره (کازر گاه) می نویسد (ص ۳۲۰ / ۴۱۷ / ۴۴۱) که در طبقات ناصری و منهاج سراج نیز چنین است و همین املا در عصر بعد مغل رواج دارد، چنانچه در نسخ خطی جغرافی حافظ ابرو هم (کازر گاه) است و حضرت جامی نیز در صفحات مکرراً همین املا را آورده (ص ۳۱۸/۳۱۹ و غیره) و در عباس نامه (ص ۱۰۹) هم کازر گاه استانی و مطالعات فرنگی

جامی در قصیده وصف گازر گاه گوید: استانی

پیر هرات زبده انصاریان که سود بر طاق چرخ قبه دهلیزاو کلاه

گازر گهی است تربت او کابر مغفرت در ساختش سفید کند نامه سیاه

معین الدین اسفزاری (۸۹۹ هـ) که خود وی در هرات میریسته و روضات الجنات را در او صاف شهر هرات نوشته این کلمه را مکرراً با امالی (کازر گاه) می نویسد (ج ۱ ص ۴۳ / ۸۴ / ۸۵ / ۲۸۲) و باز تصریح میکند که درین صحرا جنگی در (۲۰۶ هـ) بین حمزه خارجی (سیستانی) و عبدالرحمن بن عبدالله حکمران نشاپور در گرفت و آنرا صحرای کازر از گاه گفتند که به تحریف و غلط عوام به گازر گاه شهرت یافت.

(روضات الجنات ج ۲ ص ۵۰)



و بار تولد در جغرافیای تاریخی خود نیز همین قول اسفزاری را نقل نموده است (ص ۱۱۰) ولی این قول اسفزاری بنا بر قدامت املائی کا زیار گاه مورد تامل است و چنین بنظر می آید که نام گازر گاه غیر از ینجائی هرات در بلاد دیگر هم موجود بود، و جائی که تربت شیخ سعدی در شیراز واقع بود نیز گازر گاه نام داشت (برهان قاطع ۱۷۶۳/۳) و نیز دهی از دهستان بکش در فہلیان فارس بہمین اسم نامیده می شود (فرہنگ جغرافی ایران ۱۹۸/۲)

بہر صورت از اقوال انصاری در طبقات الصوفیہ پدید می آید کہ کا زیار گاہ ہرات از زمان قدیم معروف، و مقر مشایخ بزرگ، و پرورشگاہ ارباب ذوق و تصوف بود.

در نسخہای خطی طبقات ابن رجب (ج ۱ ص ۸۴) املائی آن (کا ربار گاہ) بود، مصحح نسخہ مطبوعہ آنرا باستناد قول یا قوت (کا زیار گاہ) ساخته (۱) چون یا قوت خودش بلاد خراسان را دیدن کرده و درین مورد تصریح مینماید کہ: «بعد الالف زای و یاء مثناة و الف و راء» بنا بر آن توان گفت کہ ہمین املائی نسخہ طبقات الصوفیہ، اصیل و معتبر است. و تا وقتیکہ سندی قدیمتر و استوارتر دیگر بدست نیاید، ہمین املا را مدار اعتبار توان شمرد.

پژوہشگاہ خانہ انسانی و مطالعات فرہنگی

این کلمہ در ہر سہ نسخہ خطی طبقات الصوفیہ (ص ۴۳۲/۴۳۳/۴۵۶) مکرراً خدا بان نوشته شدہ کہ بردال علامت شد را ہم گذاشتہ اند، و این نام جای بسیار مشہور است در ہرات، کہ اکنون خیابان گوئیم. جامی نیز بجای آن خیابان آورده، کہ در زمان قدیم تا اواخر عہد غزنویان آنرا خدا بان میگفتند بیہقی (ج ۲/۲۱۸) در عرضہ لشکر شہر ہرات گوید: امیر مسعود لشکر خود را در دشت خدا بان ہرات دید. این کلمہ را کاتبان و طابعان بیہقی بہ خدا ہان مسخ کردند، ولی صحیح آن بدون شبہت خدا بان است، کہ در تاریخ سیفی (ص ۴۴۱) در جملہ مقابر

(۱) ذیل طبقات العنابلیہ از عبدالرحمن بن شواب الدین آمد بن رجب بغدادی حنبلی متوفی ۵۷۱۰ م طبع ہنرلا و ویت دمشق ۱۹۰۱ م (ج ۱ ص ۸۴)



معروف هرات چون کازرگاه، نام آن خیادوان چاپ شده، و همچنان در (ص ۷۱۴) همین کتاب دشت خیادوان (؟) هرات آمده که طابع آن کتاب ملتفت صورت صحیح آن نشده و علامت استفهام (؟) را بران گذاشته است.

یاقوت این جای را بصورت قدیم خدابان بضم اول از نوا حی هرات نوشته (معجم البلدان ۳۴۹/۲) و بر حاشیه ص ۱۰۹ عباس نامه طاهر قزوینی خیادوان است. اما در حبیب السیر و مطلع سعدین مکرراً خیابان آمده و در رساله طائری زیار تگاهی معاصر سلطان حسین میرزا بایقرا که نسخه خطی آنرا در لاهور نزد دکتور محمد شفیع دیده‌ام در وصف شهر هرات غزلیست که یک بیت آن اینست: خیابان پر ز خوبان باد دایم که فرع این جمال آمد کمالش (ورق ۱۳) در هر دو جلد روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات نیز مکرراً خیابان آمده و این بیت حضرت جامی را می آورد:

حدیث و ضمه کن جای این نه بس مارا که در سواد هری سا کن خیابانیم (ص ۲۲ ج ۱) اسفزاری در مدح خیابان هرات به تفصیل وارد گردیده و گوید: «در همه زمان و ادیان معابد و عیدگاه و مقابر و نزهتگاه خواص و عوام بوده (چنانکه حالامصلی و گشت جای مسلمانانست. و در زمان سابق او را «کوی خدایگان» می‌گفتند، و بعبارة فرس خدایگان پادشاه را گویند (ج ۱ ص ۸۶ روضات) چون در حصه جغرافی کتاب حافظ ابروی هروی نیز (خیابان) ضبط شده، بنابراین می‌گوئیم ضبطهای قدیم این نام خدابان و خیادوان بوده و بعد از سنه ۸۰۰ ه آنرا خیابان نوشته‌اند.

اما قول اسفزاری که این کلمه از «کوی خدایگان» گرفته شده باشد بازمحل تأمل است زیرا از روی معاییر لسانی تخفیف یا ترخیم این کلمه به خدابان و باز خیادوان و باز خیابان بعید بنظر می‌آید، و چون این کلمه را در فرهنگهای قدیم فارسی ضبط نکرده‌اند، بنابراین قدمت آن بهمین شکل واصل و ریشه آن در خورغور و تحقیق است و باید دید که اصل آن چه بوده و از کدام منبع نشئت کرده است؟